



گفتگوی اختصاصی



شهید مزاری و صلح

مصاحبه با دکتر محمدامین احمدی / رئیس دانشگاه ابن سینا

سال منازعه فقط با شوروی‌ها و حکومت وابسته به شوروی در افغانستان ادامه پیدا کرد بعد از آن متأسفانه که انقلاب اسلامی افغانستان به پیروزی رسید و حکومت وابسته به شوروی را شکست داد، بنا بود که مجاهدین یک حکومت جامع و فراگیر تشکیل داده و دولتی با پایه‌های وسیع در افغانستان به وجود بیاورند، لکن مجاهدین متأسفانه به تشکیل چنین دولتی موفق نشدند.

اگر خواسته باشیم فقط از منظر تلاش‌هایی که برای استقرار صلح در آن زمان انجام می‌شد، به آن دوره بنگریم،

پژواک‌ش: جناب دکتر! تشکر از اینکه این گفتگو را قبول کردید، می‌خواهیم پرسیم که جایگاه صلح در اندیشه شهید مزاری با توجه به سه دهه بحران و منازعه در افغانستان چه بود؟

دکتر احمدی: با درود بر روح پر فتوح همه شهیدای اسلام، به طور خاص شهیدای افغانستان و به ویژه شهید استاد عبدالعلی مزاری بزرگ. فکر می‌کنم آن زمان منازعه افغانستان به سه دهه نرسیده بود. ظاهراً نزدیک به دو دهه رسیده بود که باز هم یک منازعه بسیار طولانی بود. چهارده

یک نوع خلأ قدرت به وجود آورد. این مرحله‌ای از تلاش‌های صلح بود که به این صورت به ناکامی و شکست انجامید. مرحله دوم بعد از سقوط حکومت نجیب و تشکیل حکومت مجاهدین است. در این زمینه هم حرف حزب وحدت و در رأس آن استاد مزاری این بود که ما باید یک حکومت فراگیر و وسیع‌البنیاد و مبتنی بر عدالت و مشارکت را به وجود بیاوریم. مراد شهید مزاری در آن زمان از مشارکت این بود که اقوام افغانستان در حکومت جدیدالتأسیس هر کدام به

تناسب وزن اجتماعی و سیاسی که دارند، شریک واقعی قدرت باشند. خواست حزب وحدت به صورت اساسی تر این بود که حکومت براساس عدالت و مشارکت همگانی استوار باشد. به همین دلیل است که می‌بینیم در آن زمان کسی که بسیار واضح در مورد حقوق زنان سخن گفته و از حقوق زنان به شکل امروزی و مدرنش دفاع کرده، استاد شهید مزاری است. در یک سخنرانی که محل آن پوهنتون کابل است یا مسجد محمدیه جمال‌مینه، بسیار واضح به تفصیل به دفاع از حقوق زنان پرداخته و دفاع کرده است. این نشان می‌دهد که شهید مزاری عدالت را برای همه طلب می‌کرده است و مکرراً در صحبت‌های خودش اشاره به این دارد که دشمنی اقوام فاجعه است و ما باید یک حکومت همه شمول تشکیل دهیم. جنگ راه حل نیست و جنگ حزب وحدت را نوعی دفاع از خود در برابر حذف فیزیکی و سرکوب سیاسی به شمار می‌آورد نه غلبه و تصرف قدرت از راه زور. یعنی استدلال شهید مزاری در واقع این بود که حکومت مجاهدین تا هنوز یک حاکمیت فراگیر و سرتاسری نیست و نتوانسته است یک حاکمیت ملی و مشروع را به وجود بیاورد. ما علیه این حاکمیت نمی‌جنگیم، ولی اگر بر مواضع ما حمله کرد از خود دفاع می‌کنیم. تا وقتی که ما به یک توافق کامل، جامع و همه‌جانبه برسیم و حکومتی مشروع و مبتنی بر یک قانون اساسی همه‌شمول باشد تشکیل دهیم.

در این راستا از جمله خواسته‌های شهید مزاری این

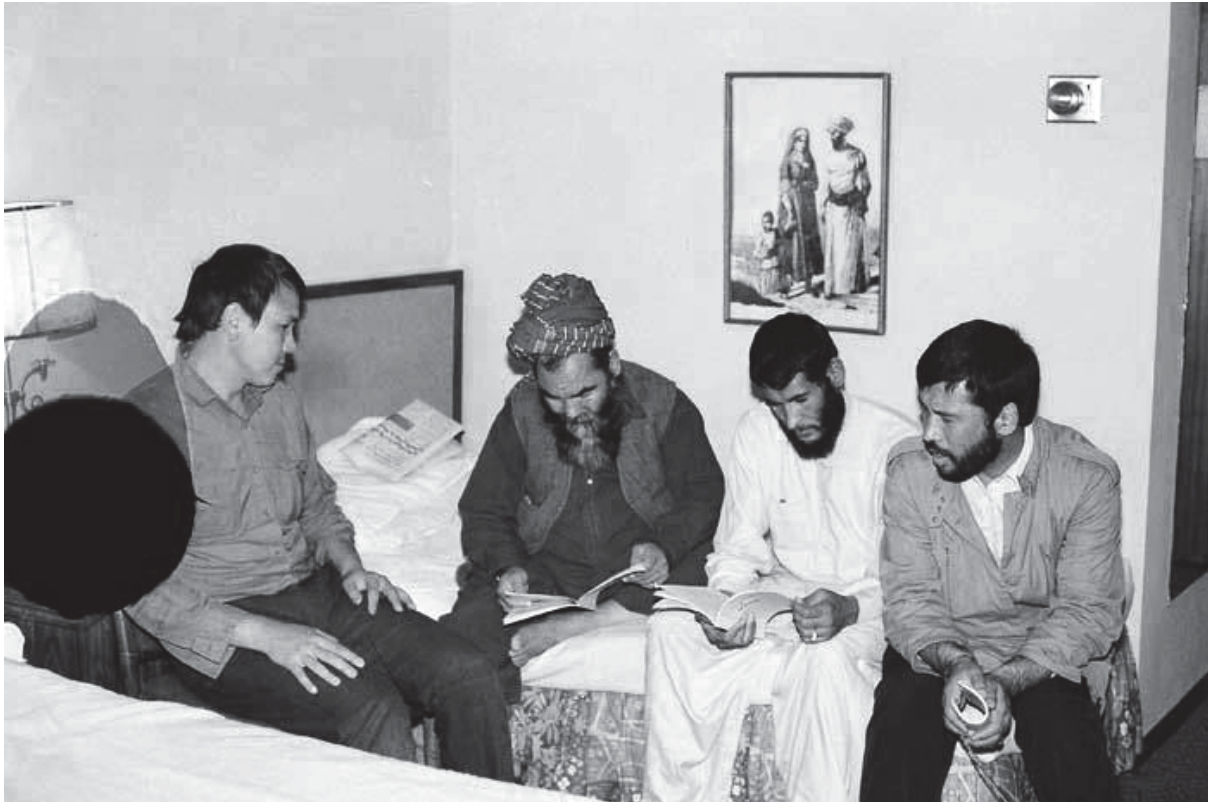
**مراد شهید مزاری در آن زمان
از مشارکت این بود که اقوام
افغانستان در حکومت
جدیدالتأسیس هر کدام به
تناسب وزن اجتماعی و سیاسی
که دارند، شریک واقعی قدرت
باشند. خواست حزب وحدت به
صورت اساسی تر این بود که
حکومت براساس عدالت و
مشارکت همگانی استوار باشد.**

می‌توان این تلاش‌ها را به دو برهه تقسیم کرد: یکی پیش از سقوط حکومت نجیب و دوم بعد از سقوط حکومت نجیب. پیش از سقوط حکومت نجیب روند گفتگوی صلح توسط ملل متحد رهبری می‌شد و بنا بر این بود که توسط سازمان ملل متحد یک زمینه آرام انتقال قدرت به وجود آید و حکومت توسط یک دوره انتقالی به یک حکومت منتخب منتقل شود. در آن حکومت منتخب در واقع همه نیروهای سیاسی افغانستان توسط یک انتخابات آزاد، سرتاسری و سالم حکومت

منتخب را به وجود بیاورد؛ یعنی همهٔ نیروهای سیاسی افغانستان حق مشارکت در انتخابات را داشته باشد.

در این روند حزب وحدت اسلامی افغانستان در آن زمان به یکی از احزاب قوی در افغانستان تبدیل شده بود و استاد شهید هم به حیث دبیر کل این حزب انتخاب شده بود و مقرر سیاسی و دفتر مرکزی اش هم به جای کشورهای خارج در بامیان و در مرکز افغانستان بود، از روند انتقال آرام قدرت حمایت می‌کرد؛ یعنی طرفدار این نبود که نیروهای مجاهدین افغانستان به زور بیابند کابل را تصرف کنند و یک طرف، به اصطلاح کابل را در اختیار بگیرد و طرف دیگر را بیرون از کابل نگهدارد. در واقع طرفدار چنین روندی نبوده است. از روندی که ملل متحد ابتکار آن را در دست داشت حمایت می‌کرد.

حالاً می‌فهمیم که اگر آن روند موفق می‌شد و به نتیجه می‌رسید، افغانستان از آسیب‌هایی که بعداً متحمل شد مصون می‌ماند. متأسفانه آن پروژه به موفقیت نینجامید، از یک سو گروه‌هایی از مجاهدین در تصرف کابل پیش‌دستی کردند و از سوی دیگر، حکومت نجیب هم از درون با شکست و فروپاشی مواجه شد که در این فروپاشی اقدامات جنرال دوستم در شمال نقش اساسی داشت. جنرال از حمایت حکومت دست برداشت و با پاره‌ای از گروه‌های مجاهدین هماهنگ و هم‌سو گردید و این باعث شد که کابل به صورت یک جانبه تحت تصرف پاره‌ای از گروه‌های جهادی قرار بگیرد و این خود زمینه کشمکش‌های بعدی را فراهم کرد و



پژواک اندیش: طرح‌های صلح شهید مزاری در آن زمان چقدر می‌توانست مفید واقع شود و امروز این طرح‌ها چه اندازه می‌تواند جامعیت و جنبه عملی داشته باشد؟

❗ **دکتر احمدی:** طرح‌های شهید مزاری در حقیقت بسیار ساده بود و هیچ خواست پیچیده‌ای نبود. خواست شهید مزاری این بود که حکومت بر اساس مشارکت همه جناح‌ها و اقوام افغانستان به وجود آید. به طور مثال در یک نشست که شهید مزاری با جلال‌الدین حقانی داشته، در آن نشست مولوی جلال‌الدین حقانی محور احزاب جهادی را مطرح می‌کند که ما باید بر محور احزاب جهادی به توافق برسیم و کسانی که مجاهد بوده است و جریان‌هایی که از سابقه جهادی برخوردار نیست آنها را به یک نحوی کنار بزنیم و حذف کنیم. مرجع ضمیر سخشن جنبش ملی - اسلامی افغانستان بوده است. استاد مزاری با این منطق حذف برخورد می‌کند و می‌گوید که حذف راه حل نیست. شما وقتی جنبش ملی را کنار می‌گذارید، معنایش این است که شما یک بخش بزرگ و مهمی از جامعه شمال افغانستان را

بود که مذهب جعفری به رسمیت شناخته شود یعنی جامعه شیعه افغانستان از حقوق مذهبی کامل و مساوی برخوردار شود و حقوق مذهبی آنها مثل گذشته نادیده گرفته نشود. خوب این یک خواست مشروع بود. همین‌طور خواست مشارکت در قدرت به میزان شعاع وجودی اقوام، نیز در این راستا قرار داشت. گذشته از این، خواهان رفع هرگونه تبعیض بر مبنای مذهب و قومیت علیه افراد بود. این‌ها خواسته‌های مهم شهید مزاری بود. لذا در خواسته‌های شهید مزاری ما ادبیات جنگ و سرکوب و خشونت را برجسته نمی‌بینیم. خواست اولیه ایشان صلح بود. اما به هر حال، از یک جامعه‌ای نمایندگی می‌کرد که محرومیت تاریخی فراوان کشیده بود و خود را در معرض حذف و سرکوب، تبعیض و نابرابری می‌دید و می‌خواست در این برهه حساس تاریخی نظامی بسازد که به این رنج‌ها پایان دهد. عقب‌نشینی از این خواسته‌های تاریخی و نادیده انگاشتن محرومیت دیرپای مردم خود را در واقع یک ظلم تاریخی می‌دانست. از این لحاظ، برای تأمین خواسته‌های تاریخی مردم خویش پافشاری و سرسختی و مقاومت کرده است.

بود. این‌ها می‌توانند مؤلفه‌های اساسی صلح نظریه شهید مزاری محسوب شود. در واقع همین مؤلفه است که صلح پایدار را به وجود می‌آورد.

پنجاه و ششم: تأمین عدالت، برابری و عدم توسل به جنگ این‌ها را در کدام کتگوری یا چگونه دیدگاهی می‌توانیم بگنجانیم؟

دکتر احمدی: اساساً شهید مزاری می‌گفت جنگ ما جنگ دفاعی است و جنگ تهاجمی نیست. یعنی سیاست شهید مزاری این نبود که از راه جنگ تهاجمی به اهداف خود برسد. شهید مزاری نهایت کوشش می‌کرد که اقتدار نظامی حزب وحدت در کابل و ولایات حفظ شود و در واقع می‌خواست که اقتدار نظامی وجود داشته باشد. به خاطر چه؟ به خاطر این که اقتدار نظامی در آن زمان در سیاست توازن قوا ایجاد می‌کرد و این توازن قوا در واقع باعث می‌شد که حزب وحدت اسلامی و شهید مزاری یک پشتوانه قوی برای چانه‌زنی در ساختار قدرت و به وجود آوردن تغییرات مناسب در قدرت در اختیار خود داشته باشد؛ چون منطق زمانه چنین چیزی را حکم می‌کرد. یعنی استاد مزاری با یک قدرت مستقر روبه‌رو نبود. یک زمانی

است که شما با یک قدرت مستقر روبه‌رو هستید که بر همه چیز مسلط و حاکم است و قانون و نظم وجود دارد، آنجا شما برای عدالت مبارزه می‌کنید و در آنجا است که اگر شیوه مبارزه شما مسالمت‌آمیز باشد، نهایت مبارزه مسالمت‌آمیز مدنی، صلح‌آمیز و پرهیز از خشونت را در پیش می‌گیرید. اساساً در آن وضعیت افغانستان، در چنین حالتی قرار نداشت و حاکمیت وجود نداشت. بنابراین، یگانه راه برای این که آنها می‌توانستند روی میز مذاکره چانه‌زنی بکنند و به خواسته خود برسند، حفظ توازن قوا بود. از این خاطر بود که نیروی نظامی را لازم داشت و حفظ می‌کرد. منتهی عقیده و سخنش این بود که ما از این نیروی نظامی برای

کنار می‌گذارید. مثال می‌زند که جنبش ملی - اسلامی افغانستان متشکل از چهره‌های جهادی است که فلان و فلان مولوی عضو جنبش است و تو با کدام منطق این‌ها را کنار می‌گذاری. بنابراین، می‌گوید حذف راه حل نیست. پس یکی از راه‌های حلهایی که استاد مزاری روی آن تأکید می‌کرد مقابله با حذف و منطق حذف و تأمین مشارکت همگانی بود و دوم این که پایه نظام جدید در افغانستان عدالت و مشارکت باشد. این همان منطق است که بعدها مورد قبول همگان قرار گرفت. یعنی طرح شهید مزاری بسیار ساده بود، حکومت مجاهدین را گسترش دهیم، پایه‌هایش را وسیع‌تر کنیم و روی قانون اساسی‌ای توافق شود که اصول اساسی عدالت، مشارکت و همه شمول بودن را در خود جای دهد.

در راستای رسیدن به عدالت قومی و حاکمیت همه شمول، سیستم فدرالی را مطرح می‌کرد که البته روی آن بسیار اصرار نداشت، ولی می‌گفت که این طرح هم می‌تواند یک طرح بسیار خوب باشد. ما می‌توانیم از طریق آن یک حکومت نسبتاً غیرمتمرکز به وجود بیاوریم و مشارکت را عمیق‌تر تأمین کنیم. رسمیت مذهب شیعه جزو طرح صلح وی بود که به نوعی در قانون اساسی فعلی تثبیت شده است که در واقع به معنای نفی هرگونه تبعیض میان شهروندان افغانستان بر مبنای مذهب و تأمین آزادی مذهبی برای شیعیان افغانستان بود.

پنجاه و هفتم: مؤلفه‌های اصلی صلح در اندیشه شهید مزاری چه چیزها خیلی برجسته بود؟

دکتر احمدی: اولین مؤلفه سیاست عدم حذف بود که ما سیاست حذف را در پیش نگیریم. دومین مؤلفه‌اش مشارکت همگانی و سومی هم عدالت اجتماعی بود. منظور شهید مزاری از عدالت اجتماعی یعنی تأمین مشارکت در قدرت و نفی هرگونه تبعیض در میان شهروندان افغانستان



جنگ تهاجمی علیه احزاب یا علیه حکومت ضعیف که در آن زمان وجود داشت استفاده نمی‌کنیم. چرا؟ چون اعتقاد داشت که جنگ تهاجمی به این معنی توجیه دینی و اخلاقی ندارد و مغایر با صلح خواهی است و می‌گفت از موضع و موقف خود در برابر هرگونه تهاجم دفاع می‌کنیم و با از مردم خود وقتی که در برابر تهاجم مذهبی و قومی قرار بگیریم دفاع می‌کنیم، یعنی منطق شان این‌گونه بود.

بنیادارشی: از دیدگاه شما امروزه زمینه‌های صلح در افغانستان چگونه است با توجه بر تأکیدی که شهید مزاری بر صلح پایدار داشت؟

دکتر احمدی: الان هم ما اگر بخواهیم به صلح پایدار برسیم باید همان سه تا مؤلفه‌ای را که پیشتر عرض کردم که در منطق و گفتار شهید مزاری وجود داشت، رعایت بکنیم و اگر بر مبنای آن عمل نکنیم، به این معنا است که تاریخ را باید از سر بگیریم، یعنی دوباره خود را در معرض خشونت، جنگ و سرکوب قرار داده‌ایم. بنابراین، صلح که در افغانستان مطرح است انشالله امیدواریم که به آن برسیم باید یک صلح پایدار باشد که دیگر هیچ زمینه‌ای برای اعمال خشونت وجود نداشته باشد و یک توافق

کامل میان نیروهای سیاسی و طبقات اجتماعی افغانستان به وجود بیاید. صلح وقتی به وجود می‌آید که روی چند نکته‌ای که پیشتر گفتم، تأکید به عمل آید؛ یکی پرهیز از منطق حذف، دوم مشارکت همه شمول و سوم تأمین عدالت برای همه. عدالتی را که ما حالا می‌گوییم باید واضح‌تر کنیم. آن زمان عدالتی که در ادبیات شهید مزاری زیاد به کار رفته است، بیشتر به عدالت قومی شبیه است. یعنی عدالت برای قوم تأمین شود. یعنی چه؟ یعنی اینکه همین قوم به اندازه شعاع وجودی خودش در قدرت شریک شود که این یک تعریف ساده از عدالت است.

البته در کلمات شهید مزاری یک سطح عمیق‌تری نیز

وجود دارد که یک فرد بر مبنای قوم خود مورد تبعیض قرار نگیرد: این عدالت عمیق‌تر است و این عدالت ما را به مفهوم شهروندی می‌رساند. الان هم ما باید عدالت را در دو سطح و سویه برای شهروندان افغانستان تأمین بکنیم. اول عدالت به حیث یک حق جمعی که ممکن است یک قوم و یا یک گروه مذهبی به عنوان یک حق جمعی از آن برخوردار باشد، یعنی ما حق جمعی آن گروه‌ها را تأمین بکنیم. دوم عدالت به معنای فردی که هر فرد از آن برخوردار باشد، یعنی هر فرد نباید هیچگاه مورد تبعیض قرار بگیرد. آزادی‌هایی که یک فرد از آن برخوردار باشد هم جزئی از عدالت است. مثلاً برابری جنسیتی هم جزء عدالت است که کسی به خاطر جنسیت خود تحت تبعیض قرار نگیرد. آزادی‌های اساسی همان‌طور که پیشتر گفتم هم جزء حقوق اساسی افراد است. بنابراین، رعایت این آزادی‌ها هم جز عدالت به حساب می‌آید.

بنابراین، ما در قدم سوم کوشش کنیم نظامی را در آینده افغانستان به وجود بیاوریم که عدالت برای همه تأمین شود. عدالت به معنای این که تبعیض بر مبنای جنسیت، قومیت و مذهب وجود نداشته باشد، یعنی هیچ فرد در برابر تبعیض حذف قرار نگیرد و حقوق اساسی او تأمین شود و هر فرد حق مشارکت سیاسی برابر با دیگران را در تعیین سیاست‌های نظام داشته باشد. عدالت به این معنای وسیع شرط اساسی صلح پایدار است، یعنی صلح آینده ما این عناصر اساسی را در خود داشته باشد و اگر این عناصر را در خود نداشته باشد، معنایش این است که ما صلح پایدار را به وجود نمی‌آوریم. در واقع زمینه‌های مخالفت و شورش را به یک شکلی در درون نظام جا می‌دهیم که دیر یا زود کسانی پیدا می‌شود و برای احقاق حق خود مبارزه می‌کند و خواهان تغییر نظام می‌شود.

عدالتی را که ما حالا می‌گوییم باید واضح‌تر کنیم. آن زمان عدالتی که در ادبیات شهید مزاری زیاد به کار رفته است، بیشتر به عدالت قومی شبیه است. یعنی عدالت برای قوم تأمین شود. یعنی چه؟ یعنی اینکه همین قوم به اندازه شعاع وجودی خودش در قدرت شریک شود که این یک تعریف ساده از عدالت است.

بنیادارشی: به نظر شما برای تحقق یک صلح عادلانه چه اصولی را باید مدنظر بگیریم؟



مردم افغانستان هستیم و اجزای صلح را یک پیکر واحد می‌بینیم و جدا از هم نمی‌بینیم و صلح خود را جزئی از صلح طالبان با مردم افغانستان می‌دانیم، ولی شرطش این است که مردم، نیروهای سیاسی و دولت افغانستان دو نکته را خودشان حل کنند: اول اینکه این‌ها در تأمین خواسته‌ها و مطالبات خود علیه طالبان متحد باشند، یعنی به شکل متحدانه از قانون اساسی و ارزش‌هایی که طی هژده سال اخیر شکل گرفته دفاع کنند. یعنی این‌ها است که طالبان را بقبولانند در گفتگو که این خواسته‌های ما است و ما متحدانه این خواسته‌ها را می‌خواهیم و از این خواسته‌ها در عرصه استدلال و گفتگو کوتاه نمی‌آییم تا طالبان وادار به قبول این خواسته‌ها شود. این را در واقع باید حکومت و جامعه مدنی افغانستان انجام بدهند. نکته دوم که در واقع شرکای بین‌المللی افغانستان می‌خواهند این است که معاهده صلح از لحاظ داخلی یک طرفش طالبان و طرف دوم آن دولت افغانستان و طرف سومش جامعه مدنی افغانستان است. یعنی این موافقت نامه صلح به یک شکل باید امضا شود که رضایت همه جوانب در آن وجود داشته باشد. لذا حکومت به تنهایی صلح را آورده نمی‌تواند و جامعه مدنی و نیروهای سیاسی هم به تنهایی صلح را آورده نمی‌توانند. جامعه مدنی و حکومت افغانستان باید روی ارزش‌های اساسی در یک صف واحد قرار بگیرند و به اجماع برسند و از یک موضع صحبت بکنند که این راه موفقیت است.

دکتر احمدی: در این زمینه بسیار واضح خدمت شما عرض می‌کنم که در قدم اول حکومت وحدت ملی باید کوشش کند میان تمام نیروهای سیاسی که پشتیبان قانون اساسی و نظام فعلی است چه اپوزیسیون حکومت و چه طرفدار حکومت باشد، یک اجماع اساسی به وجود بیاورد. اجماع اساسی و دیدگاه مشترک پیدا بکند علیه کسانی که مخالف این نظام است. کسانی که مخالف حکومت است ما بدانیم که آنها هیچگاه با صلح پایدار سرسازش ندارد و یک صلح یک جانبه می‌خواهند. بنابراین، برای این که آنها را به قبول یک صلح پایدار متقاعد کنیم شرط اول این است که حکومت وحدت ملی بر محور قانون اساسی اجماع بیاورد و به تمامی نیروهای سیاسی که مخالف شان است، جامعه مدنی یک اطمینان به وجود بیاورد. یک گفتگو و موافقت دو جانبه که یک طرف حکومت و طرف دیگر طالبان باشد اطمینان به وجود نمی‌آورد. چون نیروهای سیاسی جامعه همه از این می‌ترسند که نکند یک موقع حکومت در خلوت با طالبان توافق کند و این‌ها همه از قدرت حذف شوند. این نگرانی را باید حکومت وحدت ملی از بین برد و این اولین کاری است که حکومت وحدت ملی باید انجام بدهد.

حرف دوم این است که ما بینیم که شرکای بین‌المللی افغانستان چه نوع صلح می‌خواهند. شرکای بین‌المللی افغانستان به نظر این جانب اولاً تصمیم گرفته‌اند که به هر شکل تا جایی که ممکن است به منازعه جاری در افغانستان خاتمه بدهند؛ یعنی پای خود را از منازعه جاری در افغانستان بیرون بکشند. این کار را انجام می‌دهند، ولی خواهان این نیز هستند که برای این کار هزینه کلان پرداخت نکنند و آبرومندان و با موفقیت معامله صلح انجام شود. اما آنها می‌گویند دو کار اساسی را ما انجام داده نمی‌توانیم. فقط ما تسهیل می‌کنیم، یعنی کمک می‌کنیم. مثلاً ما نیروی خود را به صورت کامل از افغانستان بیرون می‌کشیم که طالبان با حکومت، نیروهای سیاسی و جامعه مدنی افغانستان در یک چارچوب صلح به نقطه مشترک برسند و پای این معاهده را همه امضا کنند. آمریکا می‌گوید که ما روی این موضوع به نمایندگی از حکومت، نیروهای سیاسی و جامعه مدنی افغانستان چانه زنی نمی‌توانیم. اگر این کار را بکنیم، صرف یک فشار سیاسی می‌آوریم، ولی نمایندگی کامل نمی‌توانیم. اگر ارزش مدرن را مردم افغانستان نخواهند که آمریکا این را نمی‌خواهد که بر مردم افغانستان تحمیل کند یا بر طالبان فشار وارد کند و سخن شرکای بین‌المللی بسیار واضح و روشن است. لذا دیدگاه آمریکا این است که ما در کنار



بنا بر اندیشه: فرض کنیم که گفتگوهای صلح به نتیجه می‌رسد، ارزشهایی که در چند سال اخیر به دست آمده و باید حفظ شود چیست؟

دکتر احمدی: همان چیزهایی که پیشتر من گفتم. مثلاً ما طی چند سال اخیر رسانه‌های آزاد داریم. رسانه‌های آزاد باید حفظ شود. احزاب سیاسی و سیستم چند حزبی داریم که باید حفظ شود. برابری حقوق زن و مرد داریم. زن و مرد در اصل از حقوق برابر برخوردار است. در موارد بسیار خاص و جزئی که احکام صریح اسلام وجود دارد که زن از این حق برخوردار نیست و مرد از این حق برخوردار است، آنجا به خاطر احکام شرعی ممکن است ما کوتاه بیایم، ولی در قاعده و در اصل برابری زن و مرد و آزادی فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زنان به رسمیت شناخته شده است که این باید حفظ شود. جمهوریت باید حفظ شود. اساسی‌ترین رکن این نظام جمهوریت است. تأمین مشارکت همه اقوام باید حفظ شود. یعنی قسمی نشود که یک سیستم به وجود بیاید که این سیستم در واقع قدرت را در انحصار یک قوم و یک مذهب قرار بدهد و ساختار مشارکت کنونی که کوشش می‌شود قدرت در انحصار یک قوم و یک مذهب قرار نگیرد باید حفظ شود.

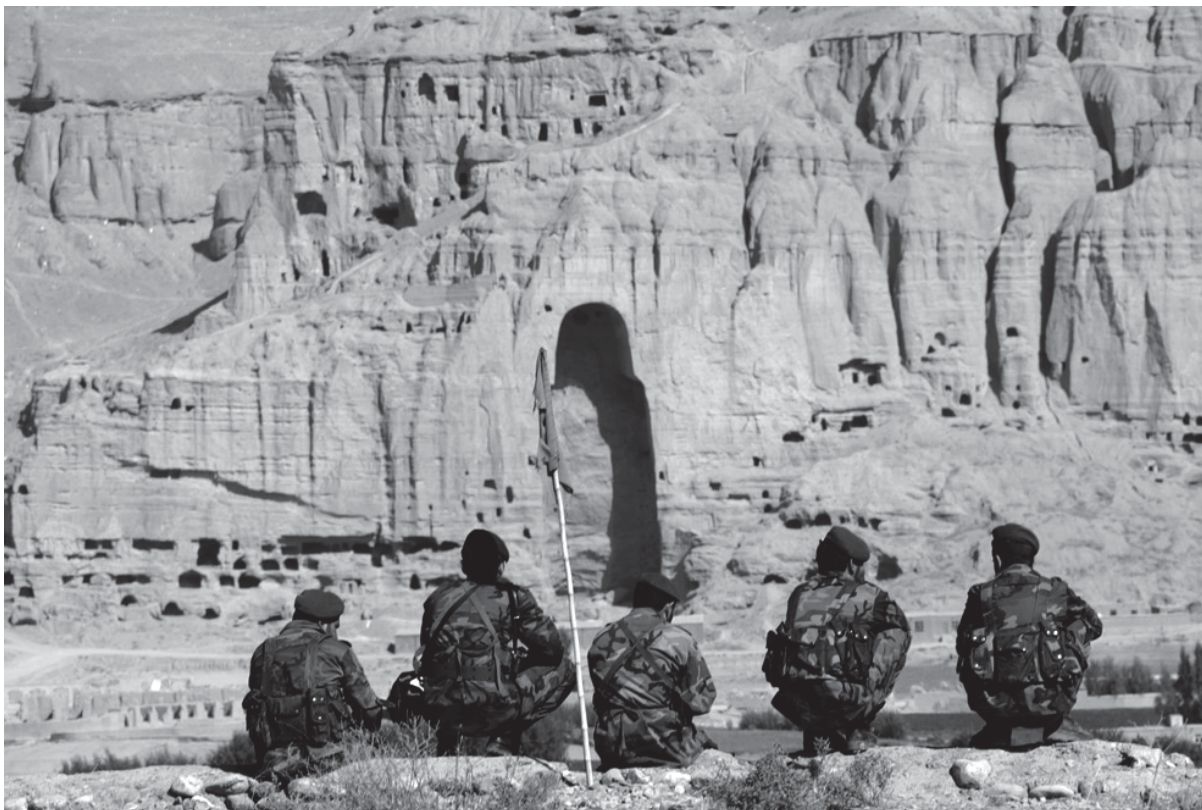
بنا بر اندیشه: در نشست مسکو طالبان خواهان انحلال نیروهای امنیتی شدند، آیا این نمی‌تواند برنامه‌های بعدی صلح را تهدید کند؟

دکتر احمدی: به هر حال یکی از چیزهایی که باید حفظ شود نهادهایی است که طی هژده سال شکل گرفته‌اند. این نهادها نهادهای دولت است که ربطی به شخص رئیس جمهور ندارد و خود ریاست جمهوری نیز یک نهاد است که باید حفظ شود. البته می‌توان در برخی از این‌ها جهت تأمین عدالت سیاسی بیشتر تعدیل آورد مثلاً نظام ریاستی متمرکز به نظام پارلمانی فدرال تبدیل شود باز هم رئیس جمهوری نیاز است که در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان باشد که به مراتب اسلامی‌تر از نظام امارت است. پارلمان به عنوان یک قوه اساسی دولت که مستقیماً در برابر قوه اجراییه از مردم نمایندگی می‌کند و با زحمت و مشارکت مردم شکل گرفته و تا حدودی بر مبنای قانون اساسی و قوانین دیگر نهادینه شده، از اهمیت اساسی برخوردار است باید حفظ شود. به عین ترتیب قوه قضاییه به عنوان یک رکن قضایی مستقل و حرفه‌ای که با سرمایه‌گذاری کلان به وجود آمده و بهبود یافته است و روز

به روز بهتر از گذشته می‌شود و رو به انکشاف است باید حفظ شود. نهادهای امنیتی اردوی ملی و پولیس ملی باید حفظ شوند. این‌ها نهادهای اساسی دولت را شکل می‌دهند. اگر این‌ها حفظ نشود، خلأ قدرت به وجود می‌آید و نهادهای اساسی دولت که با سرمایه‌گذاری هژده ساله شکل گرفته و در دولت‌سازی از نقش اساسی برخوردارند، از بین می‌رود و دیگر ما دولت به مفهوم مدرن آن نخواهیم داشت و چون دولت به عنوان یک ساخت سیاسی مدرن در شکل دادن به ملت به عنوان یک برساخته سیاسی مدرن که از شهروندان آزاد و برابر به وجود می‌آید، نقش اساسی ایفا می‌کند و با فروپاشی دولت مدرن ملت نخواهیم داشت بلکه همگان به رعایای مجبور و مرعوب یک امیر تبدیل می‌شویم.

در بخش نهادهای امنیتی و دفاعی متوجه باشیم که دولت افغانستان با دولت ایالات متحده آمریکا یک پیمان امنیتی امضا کرده است که یک پیمان حقوقی امضا شده میان دو دولت مستقل است. باید سرنوشت آن پیمان در این معاهده صلح معلوم شود و طوری باشد که کمک‌های ایالات متحده امریکا برای حفظ و تداوم نهادهای امنیتی و دفاعی مهم که افغانستان طی هژده سال اخیر تاسیس کرده حفظ شود. طالبان اگر می‌آید شریک قدرت و جزء دولت می‌شود و این برای طالبان باید واضح شود که آیا شما ساختار دولت و قوای اساسی آن را حفظ می‌کنید و یا این که ساختار را خراب می‌کنید. وقتی شما جزو دولت می‌شوید مجبور هستید به الزامات دولت تن در دهید. یک دولت نیاز به

در بخش نهادهای امنیتی و دفاعی متوجه باشیم که دولت افغانستان با دولت ایالات متحده آمریکا یک پیمان امنیتی امضا کرده است که یک پیمان حقوقی امضا شده میان دو دولت مستقل است. باید سرنوشت آن پیمان در این معاهده صلح معلوم شود و طوری باشد که کمک‌های ایالات متحده امریکا برای حفظ و تداوم نهادهای امنیتی و دفاعی مهم که افغانستان طی هژده سال اخیر تاسیس کرده حفظ شود.



پیشادار ششم: آنچه را که شهید مزاری برای پیش زمینه صلح می‌گفت، به نظر شما در گفتگوها روی کدام ارزش‌ها بیشتر تأکید شود؟

دکتر احمدی: به نظرم در گفتگوهای صلح امروز باید روی طرح‌های عام و همه شمول بیشتر تأکید شود. همان‌طوری که پیشتر گفتم جمهوریت، حق مشارکت همگانی در ساختار قدرت و عدالت برای همه مهم است که باید روی این‌ها بیشتر تأکید شود و ضمناً با هر گونه تبعیض مذهبی هم مقابله شود. قانون اساسی فعلی افغانستان زمینه تبعیض مذهبی را تقلیل داده است. دوباره تبعیض مذهبی و قومی بالای جامعه شیعه و هزاره و یا هر قوم و گروه مذهبی دیگر تحمیل نشود. بنابراین، ما باید خواسته‌های خود را هماهنگ و هم طراز با خواسته‌های عام شمول کنیم که گروه‌های ذی نفع زیادی می‌توانند در آن زمینه با جامعه هزاره همسو باشند.

پیشادار ششم: ما چند نوع صلح‌سازی داریم؟

دکتر احمدی: در واقع دو نوع صلح داریم. یکی صلح

ارتش، پولیس و امنیت دارد، بدون این‌ها که شما نمی‌توانید دولت‌داری کنید، چطور با داعش مبارزه می‌کنید. فردا ممکن است مشکل داعش و گروه‌های تروریستی دیگر که از ازبکستان و تاجیکستان و پاکستان به فعالیت‌شان ادامه بدهند، اوج بگیرد. یا ممکن است دولت پاکستان امنیت افغانستان را تهدید کند. دولت با این مشکلات روبه‌رو است. برای رفع این‌ها ضرورت به اردو و پولیس و نهاد استخباراتی و ضد جاسوسی دارد. اردو، پولیس و امنیت ملی بر اساس پیمان امنیتی که یاد کردیم، تأمین می‌شود. اگر این پیمان لغو شد، بودجه این‌ها از کجا تأمین می‌شود. یعنی این مطالب با طالبان روی میز مذاکره به صورت واضح گفته شود که جناب طالب وقتی شما می‌خواهید شریک دولت شوید، دولت‌داری جنگ نیست که شما در صحراها می‌جنگید. دولت‌داری از خود ارگان‌های کلان و بودجه می‌خواهد و تأمین این بودجه در توان افغانستان نیست. از دعای سر شما عایدات دولت افغانستان بالا نرفته است و در هژده سال شما فرصت‌ها را از افغانستان گرفته‌اید و عایدات افغانستان در حدی نیست که بودجه عادی و انکشافی خود را تأمین کند.



بدیل تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب است که حقایق را تثبیت می‌کند که البته با اعتراف و طلب پوزش و عفو از قربانیان همراه شود و در نهایت خسارت قربانیان و متضرران، جبران گردد. این یک راه موفقی بوده که در آفریقای جنوبی پیاده شده است و در بسیاری از کشورها به جهت اهمیت صلح و انواع دیگر عدالت از قبیل عدالت اجتماعی، حاکمیت قانون و عدالت سیاسی که در نتیجه صلح ممکن می‌شود، اصلاً در پی تأمین عدالت کیفری برنیامده اند و بیشتر به دنبال این بوده است که یک صلح پایدار ایجاد شود، دموکراسی نهادینه شود، حاکمیت قانون به وجود آید و نظام اصلاح شود تا بتواند عدالت را برای همگان تأمین کند. این روند منفعت عام تر و فراگیرتر دارد.

بنا بر ادراک شما: پیام شما برای رهروان و دوستداران شهید مزاری خصوصاً در زمینه صلح چیست؟

❖ **دکتر احمدی:** عرض من خدمت دوستان و عزیزان این است که ما در شرایط کنونی تمامی رقابت‌های درون اجتماعی خود را کنار بگذاریم. اولویت خود و جامعه و کشور خود را تشخیص بدهیم که اولویت‌های ما و جامعه و کشور ما چیست آن اولویت‌ها را در رأس قرار دهیم تا بتوانیم از این بحران عبور کنیم و در واقع کاروان قانون اساسی و حکومت عادل و فراگیر برای همه را از این گردنه عبور دهیم. اگر از این گردنه نظام همه شمول را عبور دادیم، در واقع ما صلح در افغانستان و عدالت برای همه را نهادینه ساخته ایم. این اولویت نخست ما باشد. بنابراین، اگر رقابت‌های درون قومی، گروهی و اجتماعی و حتی اگر درون نظامی داریم، مثلاً از یک تیم انتخاباتی حمایت می‌کنیم و مخالف تیم انتخاباتی تیم دیگر هستیم؛ آنها را نباید اولویت دهیم. یعنی نباید نظام فعلی و نظام مبتنی بر قانون اساسی را قربانی رقابت‌های درون گروهی و سیاسی یا تیمی خود کنیم. عرض دوم من خدمت دوستان شهید مزاری این است که شهید مزاری برای ما یک شخصیت معنوی و اخلاقی شده است، یعنی در حقیقت سرمایه معنوی و اخلاقی جامعه هزاره محسوب می‌شود. یک شخص وقتی به عنوان سرمایه معنوی و اخلاقی باقی می‌ماند که ما از او در جامعه و در رفتار خود، به عنوان مینا و الگوی عدالت، برابری، آزادی و انسان دوستی بهره ببریم. و شهید مزاری را وسیله سرکوب قرار ندهیم. این بهترین خدمت به شهید مزاری است.

ساده است و صلح ساده به این معنا است که یک جنگ وجود دارد و ما آنش بس می‌کنیم و فقط هم و غم این است که جنگ خاموش شود. این هدف، می‌تواند با تسلیم شدن یک طرف منازعه و یا گروه به طریف دیگر حاصل شود. اما در زمان ما مأموریت‌هایی که سازمان ملل متحد در نقاط مختلف جهان برای حفظ صلح برعهده می‌گیرد، هدف شان تأمین این نوع صلح نیست، بلکه صلحی است که خود شان از آن به صلح پیچیده یاد می‌کنند. صلح پیچیده صلحی است که به برقراری حاکمیت قانون، دموکراسی و عدالت برای همه و انتخابات آزاد چند حزبی، چند نژادی و چند قومی می‌انجامد. ایجاد چنین صلحی، صلح‌سازی پیچیده است. لذا ما به دنبال تحقق صلح پیچیده هستیم؛ چون صلح پیچیده است که صلح را پایدار می‌کند و زمینه‌های جنگ بعدی را از بین می‌برد و زمینه‌های نارضایتی‌های بعدی را حداقل تقلیل می‌دهد. اما صلح ساده ممکن است یک جنگ مقطعی را خاموش کند، ولی ممکن است زمینه جنگ‌های دیگر را فراهم کند.

بنا بر ادراک شما: اگر صلح پیچیده پیاده شود، عدالت انتقالی به وجود خواهد آمد آن وقت چه خواهد شد؟

❖ **دکتر احمدی:** عدالت انتقالی، مسئله‌ای است بگرنج. معمولاً در صلح‌سازی‌ها این بحث مطرح است که آیا تأمین عدالت کیفری برای قربانیان جنگ اهمیت بیشتر دارد یا تأمین صلح پایدار که به دنبال خودش حکومتداری سالم، حاکمیت قانون و تأمین عدالت اجتماعی و سیاسی را در بر داشته باشد. گاهی اوقات بین این دو هدف تعارض به وجود می‌آید. به این معنا که اگر شما به دنبال تأمین عدالت از نوع کیفری باشید؛ یعنی کسانی را که مرتکب جرایم جنگی و امثال آن شده باشند در محاکم ملی و یا بین المللی محاکمه کنید، ممکن است هم‌چنان منازعه دوام کند. افغانستان عضو محکمه کیفری بین المللی (ICC) است اگر خودش نخواست و یا نتوانست این صلاحیت به محکمه کیفری بین المللی منتقل می‌شود. منتهی سؤال اساسی این است که آیا در افغانستان جمع بین عدالت کیفری برای قربانیان جنگ و میان صلح پایدار همپوشانی وجود دارد یا تضاد؟ اگر هر دو هم‌زمان قابل جمع نباشند اخلاقی تر آن است که از عدالت کیفری به صورت موقت و دائم صرف نظر شود و گزینه‌های بدیل جستجو شود. یکی از گزینه‌های